

# کربلا: ۱۱۵۵ سال بعد

## وهابیت و واقعه حمله به کربلا

علی فرامرزی

بحدی شدت داشت که بسیاری از مورخین مسلمان آن را تکرار فاجعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) معرفی کرده‌اند. پرداختن به موضوع پیدایش وهابیت و بنیانگذاران آن ما را در شناخت بهتر دلایل حمله وهابیان به کربلا کمک می‌کند.

نخستین کسی که مذهب وهابی را در نجد، پدید آورد و در راه ترویج آن به شدت کوشش کرد، شیخ محمدبن عبدالوهاب از علمای نجد در قرن دوازدهم هجری بود. اما نکته‌ای که باید دانست این است که وی مبتکر و بوجودآورنده عقاید وهابیت نیست. بلکه قرن‌ها قبل از او این عقاید، بصورت‌های گوناگون اظهار شده ولی بصورت مذهب تازه‌ای درنیامده و طرفداران زیادی پیدا نکرده بود. کار عمده شیخ محمد این بود که پس از اظهار معتقدات خود در راه اجرای آنها قیام نمود، پاره‌ای از امرای نجد را نیز با خود همراه کرد و از این رهگذر، فرقه تازه‌ای بوجود آورد که عقاید آن با مذاهب چهارگانه اهل سنت تفاوت داشت و فاصله آن از مذهب شیعه، زیادتر از مذاهب دیگر بود. در مقابل به مذهب حنبلی نسبت به مذاهب دیگر بسیار نزدیک‌تر بود.

کلمه وهابی از نام پدر مؤسس فرقه وهابی یعنی عبدالوهاب گرفته شده است. لیکن خود وهابیان این سخن را قبول ندارند و یا به قول خود صحیح نمی‌دانند. آنان خود را موحدین می‌نامند. مذهب وهابی منسوب است به شیخ محمدبن عبدالوهاب بن سلیمان بن علی تمیمی نجدی که این نسبت از نام پدر او عبدالوهاب گرفته شده است. وی در سال ۱۱۱۵ هـ ق و به قولی دیگر در سال ۱۱۱۱ هـ ق بدنیا آمده است.<sup>(۱)</sup> محل تولد او در شهر یمینه از بلاد نجد بوده است. او از کودکی

موضوع این پژوهش در ارتباط با حمله وهابیان به شهر مقدس کربلا می‌باشد. از اوایل تشکیل حکومت آل سعود در میان آن حکومت و عراق که در آن زمان جزء متصرفات سلطان عثمانی بود، گاهی مناقشات و زدوخوردهایی رخ می‌داد و وهابیها به شهرهای مختلف عراق حمله می‌بردند لیکن حمله آنها به دو شهر کربلا و نجف از نوع حمله‌هایی که به نواحی دیگر عراق می‌کردند، نبود و از کیفیت حمله و روشی که در قتل عام مردم و اهانت به مرقد مطهر امام حسین (ع) معمول داشتند، بنحوی معلوم می‌شود که انگیزه‌های اصلی این اعمال معتقدات مذهبی توأم با تعصب شدید ایشان بود که در مدتی نزدیک به ده سال، چندبار شدیدترین حملات را به این شهر داشتند. این تیمه و دیگر متفکران دینی و بنیانگذاران چنین تفکری بیشتر از این لحاظ با شیعه مخالفت و عناد می‌ورزیدند که ایشان را حجاج یا عباد قبور می‌دانستند و بدون اینکه از حقیقت امر آگاه باشند گمان می‌کردند که شیعه قبرهای بزرگان خویش را می‌پرستند و بجای حج خانه خدا به حج قبور می‌روند و اموری از این قبیل مورد نظر آنها بود. در هر حال با توجه به اینکه دو شهر کربلا و نجف، از شهرهای مورد احترام و از بزرگترین زیارتگاههای شیعه هستند، زیارتگاهها یا بناهای عالی و گنبدهای افراشته با نذورات و نفایس فراوان و موقوفات بسیار که هر سال هزاران تن از دور و نزدیک برای زیارت این شهر رومی آورند، وهابیان همانطور که گفته شد، به واسطه بی‌اطلاعی و شبهاتی که در ذهن آنها ایجاد شده بود، نسبت به این امور تعصب شدید می‌ورزیدند طبعاً بدنبال دستاویزی بودند که مقصود خویش را انجام دهند. به هر شکل فاجعه

که آنچه در این رابطه به زبان می‌آورند نظیر «یا رسول الله و یا ولی الله، اسألك الشفاعة» همه الفاظ از این قبیل شرک به خداوند می‌باشد و معتقد بودند هرکس در نزد قبور صالحین نماز بخواند و چراغ روشن کند همه این امور جزء مسائل جاهلیت است و آنها بر کفر هستند.<sup>(۵)</sup> خلاصه کدام در این است، که وهابیان هر مسلمانی را بر غیر روش خود می‌دیدند خون و مالش را مباح می‌دانستند. بطور کلی آنها در تمام حملات خود بر شهرهای مجاور، چنین روشی را دنبال می‌کردند.

یکی از بزرگترین اهانت‌های وهابیان، حمله به کربلای معلی بوده است. به جهت شدت فاجعه بسیاری از علمای وهابی نتوانستند از انعکاس آن چشم‌پوشی کنند. صلاح‌الدین مختار، از نویسندگان وهابی در این باره چنین می‌گوید: «در سال ۱۲۱۶ هـ ق امیر سعود در رأس سپاهی بسیار کثیر به قصد عراق حرکت نمود و در ماه ذی‌قعدة به شهر کربلا رسید و آن را محاصره کرد. سپاه مذکور باروی شهر را خراب کردند و به زور وارد شهر شدند. بیشتر مردم را در کوچه و بازار و خانه‌ها به قتل رسانیدند و نزدیک ظهر با اموال و غنایم فراوان، از شهر خارج شدند و در آبی بنام ابیض گردآمدند. خمس اموال خود را سعود برداشت و بقیه را به هر پیاده یک سهم و به هر سواره دو سهم قسمت کرد.»<sup>(۶)</sup>

علاوه بر آن نویسنده دیگری عنوان می‌کند که: «جنگجویان نجدی، قبه روی قبر حسین(ع) را خراب کردند و هر آنچه در داخل قبه و روی آن بود، به چپاول بردند و سنگ روی قبر را که با دانه‌های زمرد و یاقوت و جواهرات دیگر آراسته شده بود کردند و با خود بردند و آنچه در شهر یافتند از اموال و اسلحه و لباس و فرش و طلا را ربودند.»<sup>(۷)</sup>

سپاه وهابی، چنان رسوایی در شهر بار آوردند که به وصف نمی‌گنجد. حتی گفته‌اند که در یک شب بیست هزار تن را به قتل رسانیدند. پس از آنکه امیر سعودی، از کارهای جنگی، فراغت یافت بطرف خزینه‌های حرم متوجه شد. این خزائن از اموال فراوان را که متعلق به حرم بود همه را غارت کرد.

دکتر عبدالجواد کلیددار که خود از اهل کربلاست چنین گوید: «در سال ۱۲۱۶ هـ ق امیر سعود وهابی سپاهی مرکب از بیست هزار مرد جنگی تجهیز کرد و به شهر کربلا حمله‌ور شد. کربلا در این ایام در نهایت شهرت و عظمت بود و زوار ایرانی و ترک و

به فراگیری کتب تفسیر و حدیث و عقاید، سخت علاقه داشت و فقه حنبلی را نزد پدر خود آموخت. از همان آغاز که از فراگیری کتب تفسیر و علوم اسلامی فارغ شد، آثار گمراهی و گمگشتگی از رفتار و گفتارش کاملاً هویدا بود. پدرش که از علمای نجد بود از آن هنگام که آثار گمراهی و ظلال را در وی مشاهده کرده بود، همیشه او را سرزنش می‌کرد و مردم را از پیروی او برحذر می‌دانست.»<sup>(۸)</sup>

برادرش سلیمان بن عبدالوهاب نیز از بدعت‌های او انتقاد می‌کرد و بر وی ایراد می‌گرفت و سرانجام کتابی در رد او نوشت. او به مطالعه سرگذشت مدعیان پیامبری نظیر مسیلمه، سجاح، اسود عنسی، طلیحه اسدی و امثال آنها علاقه وافری نشان می‌داد و شدیداً به آن حرص می‌ورزیده و شیفته سرگذشت آنها بوده است.

او پس از این بود که بسیاری از اعمال مردم نجد را زشت می‌شمرد و در تمسخر آنها مبالغه زیادی می‌کرد. پس از اینکه پدرش در سال ۱۱۵۳ هـ ق درگذشت وی به اظهار عقاید خود و انکار اعمال مردم شدت بیشتری داد. در این میان که مردم به ظلال افکار وی پی برده بودند او را از شهر خود بیرون کرده بودند و او در شهرها آواره بود تا اینکه در شهر ورعیه از شهرهای معروف نجد در سال ۱۱۶۰ هـ ق وارد گردید.

محمدبن سعود که در این زمان والی این شهر بود به فراست دریافت که شیخ می‌تواند وسیله خوبی برای دنبال کردن اهداف او باشد. پس از این بود که این دو به یاری هم به دست درازی در سرزمین‌های اسلامی پرداختند و بنام ترویج اسلام صحیح به قتل و غارت مردم پرداختند. پس از درگذشت محمدبن عبدالوهاب در سال ۱۲۰۶ هـ ق آل سعود به تنهایی به غارت و چپاول مسلمانان، بنام اندیشه وهابیت پرداختند.

اوج قدرت آنها در دوران عبدالعزیزبن سعود بوده است (۱۲۱۸-۱۱۷۹ هـ ق) او در راه پیشرفت مذهب وهابی و توسعه حکومت خود تلاش زیادی کرده در همین دوران بود که وی بر شهرهای مکه و مدینه یورش برد و آنچه که از قبور و گنبد در این دو شهر بود ویران کرد.<sup>(۹)</sup> همچنین اهل مدینه را نیز وادار کردند که قبه‌ها و بناهای روی قبور را ویران کنند.<sup>(۱۰)</sup>

وهابیان بر این باور بوده‌اند که هر کس به زیارت اهل قبور رود، مشرک است و در این مورد هیچ تفاوتی بین شیعه و سنی قائل نبوده‌اند. درباره استغاثه و شفاعت به پیامبر بر این باور بوده‌اند

که این جسارت بزرگ موجب شد که پایتخت‌های کشورهای اسلامی به شدت به لرزه درآید. بسیاری از دانشمندان حکومت سعود وهابی را به حکومت اموی و یزید تشبیه کرده‌اند. چرا که یزید ناجوانمردانه سیدالشهداء را که نور دیده پیامبر بود به شهادت رسانید و عبدالعزیز و پسرش نیز قبر مبارک آنحضرت را ویران کردند.

از دیگر تأثیرات این عمل، تنفر شدید مسلمانان جهان نسبت به سعود وهابیت از یک طرف و از طرف دیگر قتل عبدالعزیز در سال ۱۲۱۸ هـ.ق به دست یکی از شیعیان بود. در نهایت قیام‌های متعددی که از هر سو بر ضد وهابیه صورت پذیرفت از مهمترین تأثیرات این یورش وهابیه به کربلای معلی بوده‌است.

#### پی‌نوشتها:

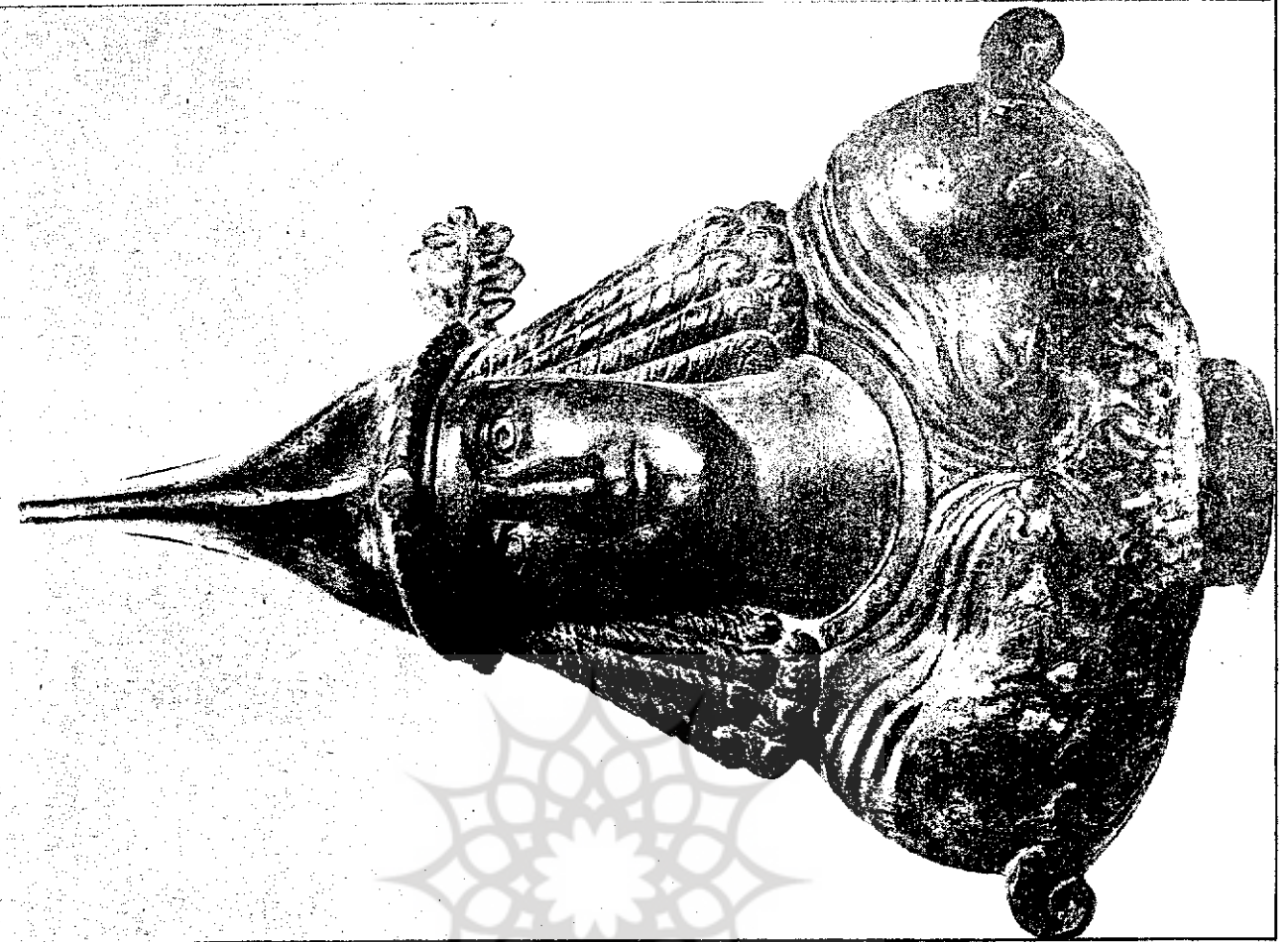
- ۱- تاریخچه و نقد و بررسی وهابیه، سیدمحسن الامین، ص ۳.
- ۲- همان، ص ۴.
- ۳- تاریخ مکه، احمد سیاعی، چاپ مکه، ج ۲، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.
- ۴- تاریخ المملكة العربية السعودية، صلاح‌الدین مختار، ج ۱، ص ۹۲.
- ۵- ثلاث الرسائل فی العقيدة الاسلامیة، شیخ محمد، ص ۶.
- ۶- تاریخ المملكة السعودية، ج ۱، ص ۷۳.
- ۷- المجد فی التاریخ النجدی، شیخ عثمان بن بشر نجدی، ج ۱، ص ۱۳۰.
- ۸- تاریخ کربلا و حائر حسین (ع)، دکتر کلیددار، ترجمه صدر هاشمی، ص ۱۷۴.
- ۹- روضة الصفاي ناصر، رضا فلیخان هدایت، چاپ تهران، ج ۱، ص ۳۸۲ - ۳۸۱.

عرب بدان روی می‌آوردند. سعود پس از محاصره شهر، سرانجام وارد آن گردید و کشتار سختی از مدافعین و ساکنین آن نمود. حصار شهر از چوب و شاخه‌های درخت خرما بود که آنها را پشت دیوارهای گلی تعبیه کرده بودند، کربلا پس از این حادثه به وضعی درآمد که شعرا برای آن مرثیه می‌گفتند. شدت حادثه به آن حد بود که تمام پایتخت‌های کشورهای اسلامی، از این واقعه به شدت لرزیدند.<sup>(۸)</sup>

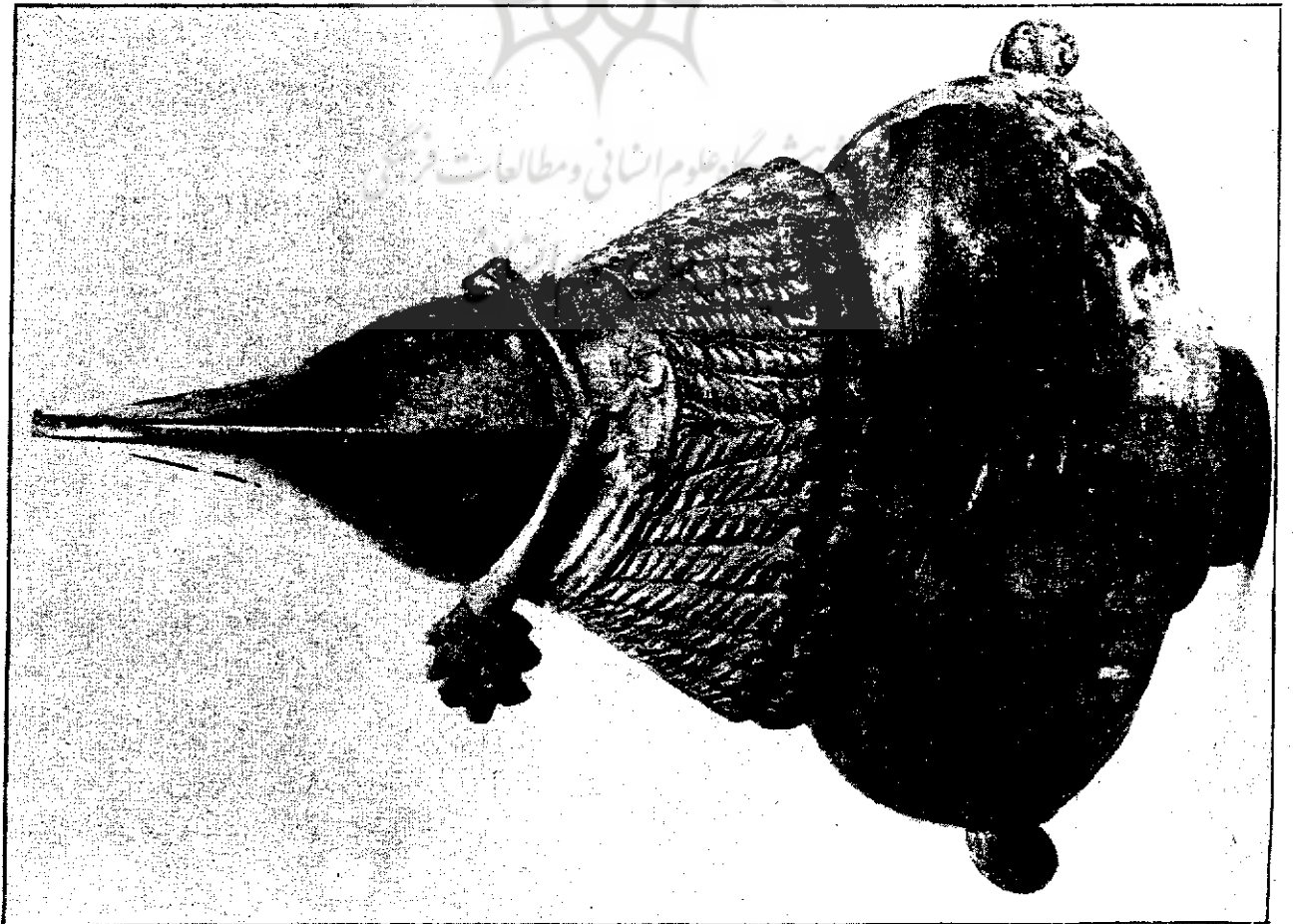
نویسندگان ایرانی که همزمان با حمله وهابیه به کربلا بودند این حادثه را در آثار خویش، ذکر کرده‌اند. قدیمی‌ترین نویسنده ایرانی که حادثه مزبور را در کتاب خود ذکر کرده است، سید عبداللطیف شوشتری است. او کتاب تحفه‌العالم را در سال ۱۲۱۶ هـ.ق تألیف کرده است که همزمان با سال حمله به کربلاست.

رضا قلیخان هدایت نیز در این باب چنین گوید: «در اواخر سال ۱۲۱۶ هـ.ق صباح روز هیجدهم ذی‌حجه، عید غدیرخم، سعود و همراهانش بناگاه بر قلعه کربلای معلی، شهر امام حسین بن علی (ع) تاختن کردند، شهر را بی‌خبر به تصرف درآوردند، چه بسیار از اعزّه آن شهر، طاعت را به نجف غروی رفته بودند و جمعی مردمان ضعیف‌الحال و شکسته‌بال زاهد و عابد و راکع مساجد بر جای مانده در حرم محترم به نماز و ذکر اواراد و دعوت اشتغال داشتند. چندین هزار تومان اموال و تجار و غیره و کروری چند از نقود و اجناس سکنه حرم محترم به غارت بردند و کمال خلاف ادب و الحاد به ظهور آورد و قریب به شش ساعت هفت هزار عالم فاضل و مرشد کامل از علمای محقق و فضلی صاحب یقین به قتل درآوردند و آنچه در سر و بر مردمان و زنان بود، برکشیدند، خون پسران و جوانان خداشناس صاحب بینش و دانش، چون سیلاب جریان گرفت و تنهای چاک چاک متقیان حق پرست چون پشته پشته برفراز یکدیگر برآمدند و گروهی بزرگوار که در زمان امتحان و گاه حیات این جهان، معاصر و معاون سیدالشهداء حسین بن علی (ع) نبودند و در این عهد در آن مرقد مبارکی که آرزوی شهادت رکاب آن حضرت همی کردند به حکم سعادت در این روزگار در حوالی مرقد آن امام اطهار بلکه در حضور روح پاک آن امام معصوم و مقتول در سلک شهدای گذشته سطور و مذکور شدند.»<sup>(۹)</sup>

این اقدام وهابیه سبب واکنش شدید علمای مسلمان شد چرا



تندیس کر تیر از روبرو



تندیس کر تیر از پشت